



۲۰۱۴/۱۲/۲۱

جلیل غنی

دفاع از زبان های افغانستان

دفاع از هویت ملی است

در دوره زمامداری حامد کرزی روش سیاسی افغانستان با همه کشورها، بخصوص کشورهای همسایه، روش اغماض و سازش، تسلیم مآبانه و مصلحتی بود. رئیس جمهور جدید، و در کل حکومت وحدت ملی، تا کنون چنین وانمود می کنند که دیگر از چنین سیاست هایی پیروی نخواهند کرد و مخصوصاً در برابر همسایگان استقلال عمل خواهند داشت. وزارت اطلاعات و فرهنگ حکومت آقای کرزی هم با پیروی از مرشدش و هم برای خوش خدمتی های بیشتر، نه تنها اینکه به تهاجمات فرهنگی کشورهای همسایه خصوصاً ایران و پاکستان توجهی نکرد بلکه برای ترویج اصطلاحات و لغات جعلی در زبان های دری و پشتو دست بازی به گردانندگان رسانه های گروهی داد.

دانشمندان زبان و ادب هر دو زبان رسمی افغانستان، دری و پشتو، بارها در همین پورتال افغان جرمن آنلاین مضامین علمی و تحقیقی در باره استعمال کلمات و لغات نامأنوس و جعلی در زبان های دری و پشتو نگاشتند ولی مثل هر نا رسائی دیگری گوش شنوای برای آن وجود نداشت و هیچگونه توجهی نشد. از مقالات علمی و تحقیقی استاد هاشمیان، جناب سراج و هاج که آخرین مقاله علمی و تحقیقی شان زیر عنوان «فرهنگستان ایران را خوبتر بشناسید» هم اکنون زینت بخش پورتال وزین افغان جرمن آنلاین است، همچنان از آقای فارانی، محترمه صالحه وهاب، و جمعی دیگر که این قلم نیز سهمی در این زمینه داشته است، می توان نام برد.

آقای سید مخدوم رهین وزیر مخلوع آقای کرزی هرگامی سخن از چنین لجام گسیختگی ها و تهاجمات فرهنگی می رفت دلیل می آورد که آزادی بیان در قانون اساسی افغانستان تضمین گردیده و جلوگیری از چنین آزادی! مغایر قانون اساسی افغانستان است. در حالیکه قانون اساسی افغانستان حراست از هویت ملی، ارزش های ملی و اسلامی، فرهنگ و زبان های افغانستان را از وجایب دولت و حکومت افغانستان ثبت کرده است.

در زمان تصدی آقای رهین اطلاعات و فرهنگ افغانستان سیر قهقرائی داشت و تهاجم متجاوزین خارجی بر فرهنگ اصیل افغانی و خوش خدمتان داخلی آنها بر هر دو زبان رسمی افغانستان چنان آسیبی وارد کرده که سالها کار دارد تا این دو زبان اصیل و سجه افغانستان از آلودگی های زبانی و تأثیر لغات و اصطلاحات نادرست وارده پاک سازی شود. مقاله جناب و هاج و توضیحات شان در باره کلمات جعلی و بکار برد چنین مجعولات به معانی غلط آن، رهنمای عالی برای کارمندان دستگاه های نشرات داخلی و خارجی است زیرا نه تنها بعضی از تلویزیون های داخلی مثل طلوع و آریانای کابل از این مجعولات استفاده می کنند بلکه برخی از تلویزیون های خارج از کشور و وبسایت های انترنیتی نیز برای اینکه از قافله نوآوری ها! عقب نمانند این کلمات را بکار می برند.

رسانه های گروهی چه تصویری است و چه صوتی و چه چاپی علاوه از اینکه منبع عمده اطلاع دهی و آگاهی دادن به شنوندگان، بینندگان و خوانندگان هستند، نقش کلیدی در پیشبرد فرهنگ و زبان جامعه نیز دارند و یکی از وسایل اصلی تداوم فرهنگی، ارتقای فرهنگ، و زبان بحیث رکن عمده فرهنگ جامعه، به شمار می روند. زبان نشرات در جوامعی مثل افغانستان، که از غنای تنوع لهجه ها بهره مند است، باید معیاری باشد و این بدان معنی نیست که با لهجه های مناطق مختلف بی اعتنائی شود و یا حرمتی به چنان لهجه ها گذاشته نشود، بلکه به این معنی است که وقتی شنونده، خواننده و یا بیننده خبری و گزارشی و یا مطلبی را از یکی از این رسانه می شنود و می خواند و می بیند نه تنها آنرا درک نماید و محتوای آنرا بداند بلکه خود و جامعه خود را در آن شریک بداند و آن زبان را از خود بداند. اصطلاحات و لغاتی که درین سالها در نشرات افغانستان مخصوصاً بعضی از تلویزیون های افغانستان راه یافته، و نشانه روشنی از تهاجماتی است که همسایگان افغانستان بر فرهنگ افغانستان برآه انداخته اند، برای اکثریت مردم افغانستان بیگانه است.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

در سایر کشور ها و زبان های دیگر نیز این اصل مراعات گردیده است. مثلاً در ایالات متحده امریکا که نقاط مختلف آن با لهجه های مختلف انگلیسی صحبت می کنند زبان نشرات آن معیاری است و بیش از سه صد ملیون امریکایی آنرا می دانند و درک می کنند. در سایر کشور ها مثل برتانیه، فرانسه، کانادا، استرالیا و کشور های دیگر نیز لهجه های مختلف این زبان ها وجود دارد ولی زبان نشرات آنها معیاری است به این معنی که این لهجه متعلق به یک منطقه و یا لهجه خاص نبوده بلکه لهجه ایست که همه آنرا می دانند.

در گذشته ها نشرات افغانستان به زبان و لهجه معیاری بود و هر افغان در هر کجای افغانستان که زندگی می کرد، چه دری زبان بود و چه پشتو زبان، و با هر لهجه ایکه صحبت می کرد، خود را در آن می یافت و از آن مستفید می شد.

در افغانستان ما از سال ها قبل در دستگاه رادیو و تلویزیون از نگاه لهجه و ادای کلمات دارای مشخصاتی بودیم. نطقان رادیو به حیث مرکز اطلاعات که از سال ها به عنوان معتبر ترین منبع اطلاع رسانی کشور محسوب می شد، هنگام نشر اخبار و سایر مطالب، افغانی بودن اصطلاحات و کلمات را کاملاً رعایت می کردند. از جمله این نطقان می توان کریم روینا، مهدی ظفر، عنایت شریف، مرحومه لطیفه کبیر سراج، شفیه حبیبی و از نطقان پشتو عبدالغفور ویاند، عبدالقدیر فهیم، خاندان جلالی و پاک طین را به عنوان مثال نام برد.

این طرز نطقی در حالیکه با مقتضیات فرهنگی مردم سازگار بود احساس همبستگی ملی را در اذهان تزریق می کرد.

اما متأسفانه در دوران وزارت آقای رهین اوضاع بکلی تغییر کرد. حتی از بعضی تلویزیون ها شنیده شد که اعلان می کردند به نطقانی ضرورت داریم که به لهجه ایران آشنا و یا مدتی را در آن کشور سپری کرده باشند. هم اکنون در بعضی سایت های تلویزیون می شنویم که نطق می گوید: مجلس، دادگاه عالی، محصولات کشاورزی و اصطلاحات زیادی از این قبیل.

در افغانستان قانون تقسیمات اداری وجود دارد در قانون مربوط به امور قضائی و تحقیق و پولیس و نظامی این همه اصطلاحات قید گردیده کسی حق ندارد قانون کشور را مطابق پلان و آروزی کشور دیگری تغییر دهد. در اصطلاحات قضائی افغانستان محکمه ای اختصاصی وجود دارد آنرا دادگاه ویژه نام گذاشتن برای چه؟، چرا قوماندان که اصطلاح فرانسوی و انگلیسی کومندنت است و از تقریباً صد سال در محاوره و نوشته های رسمی و غیر رسمی بکار می رود به فرمانده تبدیل شود برای چه؟ چرا عوض اصطلاح پر از مفهوم و آشنا وزیبائی شورای ملی مجلس گفته شود؟ و بالاخره دهها چرای دیگر.

عاریت گرفتن کلمات و لغاتی از زبان های دیگر، در صورتیکه در زبان بومی یک جامعه چنان کلماتی موجود نباشد، یک امر معمول در همه زبان هاست همان طوری که ما امروز کلماتی مثل کمپیوتر، رادیو، تلویژن یا تلویزیون، سماوار، استکان، گیلان و پتنوس و برخی کلمات و نام های دیگر را از سال های سال بدین سو از زبان های دیگر در زبان دری به عاریت گرفته ایم و جزء زبان ما گردیده است. ولی در صورتیکه ما کلمات دری سچه و نابی را داشته باشیم تعویض نمودن آن با کلمات نا مانوس و خود ساخته دیگران جز خوش خدمتی به بیگانگان و ترویج تهاجم فرهنگی توجیهی دیگری داشته نمی تواند.

نمی دانم شما از این جمله چه برداشتی دارید:

«پرونده کابل بانک از دادستانی کل به دادگاه عالی فرستاده شد.»

- معنی این جمله را از مردم عادی بپرسید نزد آنها مفهوم نخواهد بود پس برای کی و به کدام منظور محکمه را دادگاه می گویند؟
- از استعمال کلمه ای محکمه چرا ابا دارید؟
- کدام کلمه به ذهن مردم زودتر نقش می بندد؟
- آیا کدام جای این کردارها و گفتارها با منافع ملی کشور مطابق است؟
- آیا تغییر مفاهیم و اصطلاحات مندرج در قانون اساسی، نقض صریح قانون اساسی کشور نیست؟
- آیا در تشکیلات اداری و نظامی افغانستان کرسی و مقامی بنام «تاد کل ارتش» هست؟
- از سی ملیون نفوس افغانستان چند نفر آنها این عهده را خواهند شناخت؟
- آیا عمل کرد به منافع ملی کشور دیگری به تعریف دقیق خیانت ملی مطابقت خواهد کرد؟ زیرا خائن ملی کسی است که منافع ملت دیگری را به منافع ملی خود ترجیح می دهد.

د پانو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنالین په درننیت تاسو همکارۍ ته رابولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولۍ

ملت غیور افغان به خوبی می داند که ما روز استقلال داریم که آنرا همه ساله تجلیل می کنیم.

■ نام این روز را به روز شهداء تبدیل کردن برای چه؟

درین هیچگونه تردیدی وجود ندارد که ملت افغانستان باید یاد شهدا را گرامی دارد، شهدای که در جنگهای افغان و انگلیس جام شهادت نوشیدند و استقلال افغانستان را تحت زعامت اعلیحضرت غازی امان الله خان حاصل نمودند و شهدای که در جهاد علیه قشون سرخ اتحاد شوروی سابق جام شهادت نوشیدند. اینها از افتخارات افغانستان است و حتماً باید این روز بیاد بود همه شهدای گلگون کفن ملت غیور و ازادی دوست افغانستان تجلیل گردد. ولی چرا این روز را با روز آزادی افغانستان از سلطه انگلیس قرین ساخت؟ این روز به حیث یک روز مستقل در یکی از ماه های دیگر و یا روز های دیگر میتواند تجلیل گردد تا هر دو افتخار ملت افغانستان هم حصول استقلال و هم شکست قشون سرخ در افغانستان تجلیل شود و از شهادت قهرمانان هر دو معرکه گرامیداشت بعمل آید. برای اینکه مارا با افتخارات ملی ما بیگانه سازند برای اینکه به نسل جوان ما تلقین کنند که این کشور نه تاریخ دارد و نه روز بزرگداشت از کسی و هدف مخشوش ساختن اذهان و نفی تاریخ و افتخارات گذشته افغانستان بوده است.

اکنون عده زیادی از افغان هائی وطن دوست و علاقه مند به فرهنگ غنی کشور می کوشند این آواز را به گوش مسوولین برسانند. ولی جای تأسف اینجاست که چنین لغات مصطلح غیر افغانی در اثر ترویج در مطبوعات کشور توسط مسوولین عالی رتبه نیز تکرار می گردد.

همه ای این برنامه ها بطور دقیق برای از بین بردن هویت افغانی و پارچه پارچه ساختن ملت افغانستان روی دست گرفته شده است. دفاع از ارزش های ملی و فرهنگ افغانی و زبان های غنی و تاریخی افغانستان دفاع از هویت ملی است.

حالا که دولت افغانستان به تشکیل حکومت وحدت ملی اقدام نموده دفاع از چنین ارزش ها باید در اولویت کار این حکومت، مخصوصاً وزارت اطلاعات و فرهنگ، قرار داشته باشد تا بیش از این فرهنگ و زبان های افغانستان بازیچه دست همسایگان بد سگال و خوش خدمات داخلی آنها قرار نگیرد.

پایان

د پانوی شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولئ